پژوهش دینی

شمارهٔ ۵۳، پاییز و زمستان ۱۴۰۵
صص ۲۷۱-۲۹۸ (مقاله پژوهشی)

Pazhouhesh Dini

No. 53, Autumn & Winter 2026/ 2027

تجویز شریعت متکثر در پرتو دین واحد

محمدتقی قادری رهقی[۱]، محمدهادی امین ناجی[۲]، محمود واعظی[۳]

(تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۵/۰۷/۰۵ـ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۵/۰۷/۱۷)

چکیده

هر یک از پیامبران الهی شریعتی مختص به خود را برای عبادت و پرستش خداوند بـه مـردم عرضـه کردنـد. در بسـتر ایـن شریعت، برای رفع اختلاف و حل مسایل و دغدغه‌های مردم، احکامی صـادر گردیـد. مخاطبـان آن پیـامبر، می‌بایسـت از او اطاعـت کرده، مطابق احکام صادره عمل نمایند. تخطی از آن احکام به منزله مخالفت با دستور خداوند تلقی می‌شود. سوال اساسی که در این مقاله به آن پرداخته شده است، عبارت است از: آیا در یک برهه از زمان، گروه‌های مختلف از موحدانی که در زمین زنـدگی مـی‌کننـد، مجازند از شریعت‌های مختلف تبعیت کنند؟ به بیانی دیگر، آیا از نظر خداوند حکیم همه موحدان الزاماً می‌بایست تابع یک شریعت و آن هم شریعت آخرین پیامبر باشند؟ پاسخی که نگارنده با استفاده از روش تحلیل انتقادی محتوا و بهره‌گیری از آیات قرآن تبیین کرده، بلااشکال بودن وجود شریعت‌های مختلف به طور همزمان است. به این معنی که از نظر خداوند متعـال، اشـکالی نـدارد، هـر یـک از جوامع با توجه به اقتضائات و شرایط خود از یک شریعت خاص که بر پیامبران الهی نازل شده است، پیروی کنند. در نتیجـه خداونـد تبعیت از شرایع مختلف را بر حسب شرایط و اقتضاءات جوامع بشری مجاز دانسته است.

کلید واژه‌ها: شریعت، تکثر شرایع، دین، ایمان، اسلام.

۱. دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه پیام نور تهران جنوب، تهران، ایران (نویسنده مسئول)؛
Mgh139413@gmail.com
۲. استاد دانشگاه پیام نور، تهران، ایران؛ Aminnaji@pnu.ac.ir
۳. دانشیار دانشگاه تهران، تهران، ایران؛ Mvaezi@ut.ac.ir

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۱. تبیین مسأله

دو واژه دین و شریعت در ادیان توحیدی مورد توجه‌اند. مسأله‌ای که در این مقاله به آن پرداخته شده است، عبارت است از بررسی مفهومی این دو واژه از یک طرف و نحوه ارتباط این دو با هم از طرف دیگر. خداوند در اعصار مختلف، پیامبران را برای رفع اختلاف میان انسان‌ها، بیان راه صحیح در حوزه‌های مختلف عبادی، فرهنگی، اجتماعی و... در جهت رسیدن به رستگاری فرستاد. بستر راهنمایی پیامبران، همان فرهنگ و زبان قومی است که میان آن‌ها زندگی می‌کردند.

در این مقاله، بر اساس آیات قرآن کریم، جواز اجرای هم‌زمان دستورات خداوند مطابق با آن‌چه برای اقوام مختلف بیان شده، مورد مطالعه قرار گرفته است. به عبارت دیگر بررسی شده است آیا در یک زمان واحد، چند قوم با فرهنگ‌های مختلف مستقل از دیگر اقوام، مجازند به دستوراتی که برای آن‌ها تبیین گردیده، عمل نمایند؟

از نظر نگارنده مسائل حوزه شریعت را می توان در سوالات زیر مورد توجه و بررسی قرار داد.

ـ آیا شریعت، زمان‌دار است؟ به بیان دیگر، آیا بعد از گذشت مدت زمانی الزاماً می‌بایست شریعت مورد بازنگری و اصلاح قرار گیرد؟

ـ آیا شریعتی که هر پیامبر برای قوم خود می‌آورد، برای دیگر اقوام لازم‌الاتباع است؟

ـ آیا از منظر قرآن شریعت‌های مختلف به‌طور همزمان قابل پذیرش‌اند؟ یا نه، در هر زمان می‌بایست همه مردم از یک شریعت تبعیت کنند؟ به بیان صریح، آیا همه مردم موظف به تبعیت از شریعت دین اسلام به عنوان دین خاتم هستند؟

ـ نسبت میان پذیرش شریعت و ایمان به آنچه بر پیامبران الهی نازل شده، چیست؟ آیا پذیرش حقانیت پیامبران الهی، لزوماً منتج به پذیرش شریعت آن‌ها و عمل به احکام مندرج در آن شریعت می‌شود؟

ـ تمایز شریعت با دین چیست؟

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۲. مقدمه

خداوند پیامبران خود را برای راهنمایی بشر فرستاد. زیرا وقتی حضرت آدم(ع) و حوا از بهشت اخراج و در زمین ساکن شدند، خداوند توبه آن‌ها را پذیرفت و به آن‌ها گوشزد کرد که از هدایت‌هایی که می‌شوند و دستوراتی که به آن‌ها داده می‌شود، تبعیت کنند تا مورد لطف و رحمت الهی قرار گیرند. هرکس هم آیات الهی را دروغ پنداشت در جهنم ساکن خواهد شد.[۱]

پیامبران، هدایت الهی را در قالب معارف و نیز شریعت و بیان احکام در امور اختلافی و مبتلابه مردم به مخاطبان خود ارائه کرده‌اند. طبیعی است که بیان هر پیامبر می‌بایست با فرهنگ و زبان قوم خود سازگار و هماهنگ باشد. خداوند پیامبرانش را برای تبیین مسیر رستگاری و هدایت هر قوم، به تناسب فرهنگ که در زبان آن قوم ظهور یافته و نیز استعداد آن قوم برانگیخته است.[۲]

بر این اساس، شریعت هر قوم با شریعت دیگری، متفاوت است. شرایع نوح(ع)، ابراهیم(ع)، موسی(ع)، عیسی(ع) و محمد(ص) به اقتضای فهم و شعور مردم معاصر خود و میزان غنای فرهنگ اجتماعی آن‌ها نازل و تبیین گردیده است.

---

۱. فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ * قُلْنَا اهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ * وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ. سپس آدم از پروردگارش کلماتی را دریافت نمود و [خدا] بر او ببخشود آری او[ست که] توبه پذیر مهربان است. * فرمودیم جملگی از آن فرود آیید پس اگر از جانب من شما را هدایتی رسد آنان که هدایتم را پیروی کنند بر ایشان بیمی نیست و غمگین نخواهند شد. * و[لی] کسانی که کفر ورزیدند و نشانه های ما را دروغ انگاشتند آنانند که اهل آتشند و در آن ماندگار خواهند بود. (البقره، ۳۷-۳۹) آیه مرتبط: ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَى * قَالَ اهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا يَشْقَى * وَمَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى. سپس پروردگارش او را برگزید و بر او ببخشود و [وی را] هدایت کرد. * فرمود همگی از آن [مقام] فرود آیید در حالی که بعضی از شما دشمن بعضی دیگر است پس اگر برای شما از جانب من رهنمودی رسد هر کس از هدایتم پیروی کند نه گمراه می شود و نه تیره بخت. * و هر کس از یاد من دل بگرداند در حقیقت زندگی تنگ [و سختی] خواهد داشت و روز رستاخیز او را نابینا محشور می کنیم. (طه، ۱۲۲-۱۲۴)

۲. وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ. و ما هیچ پیامبری را جز به زبان قومش نفرستادیم تا [حقایق را] برای آنان بیان کند پس خدا هر که را بخواهد بی راه می گذارد و هر که را بخواهد هدایت می کند و اوست ارجمند حکیم. (ابراهیم، ۴)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۲ – ۱. اهمیت و ضرورت

عمل به شریعت در تکامل روحی انسان‌ها در حوزه فردی و رفع اختلاف میان آن‌ها در حوزه اجتماعی بسیار حائز اهمیت است. امام رضا(ع) در حدیثی می‌فرمایند: اوامر و نواهی الهی تامین کننده بقا و صلاح جامعه و بازدارنده از تجاوز به حقوق افراد است. (ابن بابویه، ۱۰۳/۲) از طرف دیگر بیان شریعت از سوی پیامبران، تحکیم و تثبیت قوانین بشری را نیز به دنبال خواهد داشت.

بنابراین بازخوانی مفهوم شریعت، گستره آن و بررسی شمول آن در جوامع مختلف و ارتباط آن با دین از وظایف محققان و دانشمندان حوزه دین می‌باشد.

۲– ۲. پیشینه؛ نظر محققان و مفسران در باب شریعت

در ارتباط با موضوع شریعت و دین، پژوهش‌های متعددی اعم از کتاب و مقاله ارائه گردیده که به برخی از آن‌ها اشاره شده است. البته مباحث مطرح در اکثر آن‌ها ارتباط وثیقی با موضوع بحث این مقاله ندارند.

ـ کتاب قلمرو شریعت تالیف آقای عبدالحسین خسروپناه

ـ مقاله قلمرو دین یا گستره شریعت تالیف محمدعلی سلطانی در نقد کتاب فوق

ـ مقاله تاریخ‌مندی شریعت، بدعت یا نوآوری تالیف محمد عرب صالحی

ـ مقاله جاودانگی شریعت اسلام از منظر عقل تالیف محمدعلی ایزدی

ـ مقاله نظریه تحول اجتهاد یا تحول شریعت تالیف محمدابراهیم جناتی

ـ مقاله قبض و بسط تئوریک شریعت تالیف عبدالکریم سروش

ـ مقاله شریعت الهی واحد و حاکمیت‌های متعدد انسانی تالیف محمدعماره (این مقاله بیشترین نزدیکی را به مقاله حاضر دارد)

ـ مقاله جامعیت و کمال شریعت و تحولات آن در عصر غیبت تالیف حسین هاشمی

ـ مقاله عصری‌سازی احکام دینی در چارچوب نظریه استقلال دین تالیف حبیب اله پیمان (این مقاله بیشترین نزدیکی را از نظر مفهومی به مقاله حاضر دارد).

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۲-۳. روش تحقیق و توضیح مفاهیم

روش تحقیق در این مقاله توصیفی ـ تحلیلی است. در این روش ابتدا مفاهیم مورد نظر و همچنین نظر محققان و مفسران در موضوع مقاله ارائه و سپس با توجه به نوآوری مورد توجه نگارنده به تحلیل آن‌ها پرداخته شده است.

۲-۳-۱. معنای لغوی و اصطلاحی شریعت

راغب در مفردات می‌گوید: کلمه "شرع" به معنای رفتن به راهی است که واضح و ایمن از انحراف باشد. وقتی می‌گویند: "شرعت له طریقاً" معنایش این است که: من خط مشی و روشی روشن پیش پایش گذاشتم و این کلمه در اول مصدر بوده و بعداً آن را نام برای همان طریقه و روش کردند. در آخر به طور استعاره نام طریقت‌های الهی را بر آن اطلاق نمودند. (راغب اصفهانی، ۴۵۰)

بعضی گفته‌اند: اگر شریعت را شریعت خوانده‌اند، از این باب بوده که خواسته‌اند آن را به شریعه نهر (آن راهی که افراد و حیوانات از آن راه به لب نهر می‌روند) تشبیه کنند. چه بسا که مطلب عکس این باشد. یعنی اگر راه به لب نهر را شریعه گفته‌اند، از شریعت به معنای طریقه گرفته باشند، به این مناسبت که چون راه به لب آب برای اهل محلی روشن و واضح بوده، خواسته‌اند با این نامگذاری از روشنی آن خبر دهند. (طباطبایی، ۵۷۲/۵-۵۷۳)

هم‌چنین طبرسی شریعت را جاده‌ای می‌داند که هر کس در آن قدم گذارد، او را به هدف می‌رساند، (طبرسی، ۳۵۱/۲۲) همان‌گونه که شریعه عبارت است از راهی به سوی آب. (طوسی، ۲۵۵/۹)

هر آن‌چه که تو را به چیزی می‌رساند، شریعه آن است. مثل شریعه آب، به این معنی که تو از آن به آب خواهی رسید. از این جهت به احکام اسلام، شریعت گفته می‌شود و تو از طریق آن‌ها اهل اسلام می‌شوی. (طبری، ۱۷۴/۶)

منظور از شرعه، ابتدای راه است. (طبرانی، ۴۰۷/۲)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

از جمع نظرات پیش‌گفته، شریعت به معنای اصطلاحی آن به نحوه ورود بـه اطاعـت از خداوند و قدم در راه عبادت و بندگی خدا نهادن است. بـه عبـارت دیگـر شـریعت همـان گذرگاه وصول به حق است. به نظر نگارنده، شریعت بیان‌کننده و نمایانگر مبادی ورودی به مسیرهای منتهی به حق است.

۲-۳-۲. معنای لغوی و اصطلاحی دین

دین به معنی ملت است. به طاعت و جزا نیز دین گفته‌اند و به اعتبار طاعت و انقیاد بـه شریعت هم گفته شده است. (راغب اصفهانی، ۳۲۳)

دین به معنی طاعت است. به معنی جزا هم آمده است. (طریحی، ۲۵۱/۶، ابـن منظـور، ۱۶۹/۱۳، فراهیدی، ۷۳/۸)

طاعت و انقیاد را دین گفته‌اند. (قرشی بنابی، قاموس قرآن، ۳۸۰/۲)

دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جـامع همه آن معارف یک کلمه است و آن عبارت است از اعتقادات. (طباطبایی، ۵۲۳/۲)

دین عبارت از امر قلبی و اعتقاد باطنی و یقین قلبی است. (طیب، ۱۹/۳)

دین هم اعتقادات است، هم ارزش‌ها و هم احکام فـردی و اجتمـاعی اسـت. (مصـباح یزدی، ۵۰)

با توجه به موارد فوق، به نظر نگارنده، دین در معنای اصـطلاحی آن عبـارت اسـت از آئین و مرام. ملت هم به همین معنا است. به بیانی دیگر، دین اساس و مبنای تفکـر، رفتـار، اخلاق و جهت‌گیری انسان را تعیین می‌کند.

۲-۳-۳. تمایز شریعت با دین

معنای لغوی و اصطلاحی شریعت و دین در دو بخش قبل ارائه شد. در ایـن بخـش بـه تمایز این دو پرداخته می‌شود. چنان‌که گفته شد، شریعت مبادی ورودی به مسیرهایی است

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

که انسان را متوجه خداوند خواهد کرد. به عنوان مثال یکی از وجوه شریعت، نماز است. به بیانی دیگر، نماز یکی از احکام شریعت است. البته کیفیت اجرای نماز از نظر شکلی و نیز تاثیرگزاری آن برای تحقق هدف خداوند، موضوع دیگری است که می‌توان آن را به واژه منهاج به معنای طریق نسبت داد. به عنوان مثال، اگر اقامه نماز برای ریاکاری باشد، نمی توان از آن انتظار تحقق هدف خداوند از اقامه نماز را داشت. نحوه اقامه نماز نیز در شریعت‌های موسی(ع)، عیسی(ع) و محمد(ص) متفاوت است. (نقوی، ۱) مثال دیگر روزه است. روزه دروازه شکوفایی روح انسان و پالایش جسم است. این هم جزو شریعت است که نحوه انجام آن در شرایع پیامبران، مختلف است. (طباطبایی، ۸/۲)

اما دین به معنای آئین و مرام و خط مشی، از طرف خداوند از ابتدای خلقت انسان تا روز قیامت واحد است و آن اسلام به معنای تسلیم در برابر حق است. به این معنی که پیامبران در عین این‌که شریعت‌های مختلفی را وضع کرده‌اند، اما یک دین واحد را برای انسان‌ها تبیین کرده‌اند.

با توجه به تعاریف فوق، دین اعم از شریعت است. شریعت در ذیل دین تعریف می‌شود. از این بابت عنوان این مقاله "تجویز شریعت متکثر در پرتو دین واحد" انتخاب شده است.

۲-۳-٤. معنای عبارت "مُهَيْمِنًا عَلَيْهِ"

برخی از مفسران با توجه به معنایی که از واژه مهیمن ارائه کرده‌اند، معتقدند، قرآن احکام شریعت‌های قبل از خود را نسخ کرده است. به عبارت دیگر، اهل کتاب مکلف به اجرای شریعت پیامبر گرامی اسلام هستند. اگرچه مفسران دیگری نیز هستند که اجرای احکام برای اهل کتاب را به تورات و انجیل موکول می‌کنند. به نظر نگارنده که در ادامه مقاله به آن پرداخته شده است، پیامبر گرامی اسلام برای رفع اختلاف بین اهل کتاب به کتاب مختص آنان استناد کرده است.

بعضی از معانی واژه مهیمن عبارتند از:

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

قرآن، تاییدکننده، محافظ و مراقب آن‌چه که بر پیامبران قبلی نازل شده است، می‌باشد. از قول ابن عباس آمده است که قرآن شاهد بر تورات و انجیل است و بر آن‌چه آن‌ها حکم داده‌اند، حکم می‌کند. (طبری، ۱۷۲/۶)

قرآن حافظ و مراقب کتاب‌های پیشین است و این آیه دلالت دارد بر این‌که آن‌چه خداوند حکایت کرد که در تورات برایشان واجب کرده بود باید به آن عمل کنیم زیرا قرآن را تصدیق کننده و گواه آن قرار داده است. (طبرسی، ۶۲/۷)

کلمه مهیمن از ماده هیمنه گرفته شده و به طوری که از موارد استعمال آن بر می‌آید معنای هیمنه چیزی بر چیز دیگر، این است که آن شیء مهیمن، بر شیء دیگر تسلط داشته باشد. البته هر تسلطی را هیمنه نمی‌گویند، بلکه هیمنه تسلط در حفظ و مراقبت آن شیء و تسلط در انواع تصرف در آن است. (طباطبایی، ۵۷۰/۵)

مهیمن در اصل به معنای چیزی است که حافظ و شاهد و مراقب و امین و نگاهداری کننده چیزی بوده باشد. از آن‌جا که قرآن در حفظ و نگهداری اصول کتاب‌های آسمانی پیشین، مراقبت کامل دارد و آن‌ها را تکمیل می‌کند، لفظ مهیمن بر آن اطلاق کرده است. (مکارم، ۴۰۰/۴)

مهیمن به این معنی است که آن‌چه در کتب قبلی آمده است را بدون تحریف و تغییر بیان می‌کند. (جصاص، ۹۷/۴)

بنابر معانی پیش‌گفته، به نظر نمی‌رسد از معنای مهیمن چنین برآید که با نزول شریعت اسلام، تمام شرایع گذشته بایستی کنار گذاشته شده و همه انسان‌ها به شریعت اسلام عمل کنند. به این معنی که الزاماً شریعت اسلام ناسخ شرایع قبلی نیست.

۳. چرایی وجود شرایع مختلف

یکی از پرسش‌هایی که مطرح است، این‌که اصولاً چرا بایستی در طول زمان شرایع متفاوتی از طرف خداوند بیان گردد؟ آیا نمی‌شد از ابتدای خلقت انسان، دستورالعمل و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

احکام ثابتی تحت عنوان شریعت برای عبودیت و رستگاری انسان ارائه می‌گردید؟ در این بخش تحلیل و نظر مفسران در این خصوص ارائه شده است.

مفسران در ذیل آیه ۴۸ سوره مائده مطالبی را در خصوص چرایی جعل شریعت‌های مختلف از طرف خداوند ذکر کرده‌اند.

علامه طباطبایی آورده است: خدای سبحان بندگان خود را جز به یک دین متعبد نکرده و آن یک دین عبارت است از تسلیم او شدن. چیزی که هست برای رسیدن بندگان به این هدف، راه‌های مختلفی قرار داده و سنت‌های متنوعی باب کرده. چون هر امتی مقدار معینی استعداد داشته [است]. چه بسا شده که در شریعت واحده‌ای بعضی از احکام به وسیله بعضی دیگر نسخ شده، برای این‌که مصلحت حکم منسوخ مدتش سرآمده و زمان برای مصلحت حکم ناسخ فرا رسیده است. (طباطبایی، ۵۷۵/۵)

همچنین مکارم می‌گوید: خداوند می‌توانست همه مردم را امت واحدی قرار دهد و همه را پیرو یک آئین سازد ولی این با قانون تکامل تدریجی و سیر مراحل مختلف تربیتی سازگار نبود. خداوند استعدادها و شایستگی‌هایی در وجود بشر آفریده و در سایه آزمایش‌ها در پرتو تعلیمات پیامبران آن‌ها را پرورش می‌دهد و به همین دلیل پس از پیمودن یک مرحله، آن‌ها را در مرحله بالاتری قرار می‌دهد و بعد از پایان یک دوران تربیتی، دوران عالی‌تری را به وسیله پیامبر دیگر به وجود می‌آورد، درست همانند مراحل تحصیلی یک نوجوان در مدرسه. (مکارم، ۴۰۲/۴)

فضل الله با طرح این سوال که آیا دینی که پیامبر اکرم(ص) برای قوم عرب آورده است، مختص همان قوم است یا این‌که متوجه اقوام دیگر از جمله یهود و نصاری نیز هست؟، آورده است: دین که در رسالت الهی واحد است، محملی برای تاکید بر تقسیم تاریخی دین نیست تا دین منحصر در طایفه مختص خود باشد و مسولیتی نسبت به دیگر طوایف نداشته باشد. بلکه هر پیامبر در امتداد پیامبر قبلی در تکمیل دین متناسب با شرایط و نیازهای جدید مبعوث شده است. نسخ برخی از احکام نازل شده بر پیامبر قبلی و حتی پیامبر فعلی

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

امری است که با توجه به تغییر شرایط موضوعیت پیدا می‌کند. لغو احکام کتب قبلی مورد عمل هیچ پیامبری نبوده است. به همین دلیل است که پیامبر اکرم(ص) موظف به صدور حکم بر اساس آن‌چه که قبلا به اقوام مختلف توسط خداوند نازل شده و در قرآن نسخ نشده است، می‌باشد.

بنابراین برای هر پیامبر، شریعتی است متناسب با احتیاجات و شرایط واقعی قوم خود، بدون نفی این موضوع که آن شریعت در امتداد شرایع دیگر است. شاید این همان است که از آیه ۶۲ سوره بقره فهمیده می‌شود. اگر خدا می‌خواست برای همه مردم و در همه زمان‌ها یک شریعت قرار می‌داد. (فضل‌الله، ۲۰۰/۸)

دیگر مفسران هم در تعابیر مشابهی به این موضوع اشاره داشته‌اند که خداوند بر اساس اقتضائات، محدودیت‌ها، شرایط اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی اقوام و جوامع احکام متناسب را تشریع می‌کند. (مراغی، ۱۳۰/۶؛ رشیدرضا، ۴۱۸/۶؛ مدرسی، ۳۹۳/۲؛ طیب، ۳۸۶/۴؛ قرشی بنابی، ۸۳/۳)

طبری در ذیل آیه ۴۸ سوره المائده آورده است: خداوند برای هر ملتی، شریعت و روشی قرار داده است. برای تورات شریعتی، برای انجیل شریعتی و برای قرآن شریعتی است که خداوند در هر یک، هر آن‌چه خواست را حلال و هر آن‌چه خواست را حرام کرد تا انسان‌ها را به آن‌ها بیازماید. اما دین، یکی است و آن توحید و اخلاص برای خداوند است. (طبری، ۱۷۲/۶) دیگر مفسران نیز به این موضوع اشاره داشته‌اند. (ابی حاتم، ۱۱۵۲/۴؛ طبرانی، ۴۰۸/۲؛ ابوالفتوح رازی، ۴۰۸/۶؛ رشیدرضا، ۴۱۳/۶؛ ابن کثیر، ۱۱۷/۳؛ ثعلبی، ۷۴/۴؛ طبرسی، ۶۳/۶؛ زمخشری، ۶۴۰/۱؛ حقی برسوی، ۳۹۹/۲؛ طباطبایی، ۵۷۷/۵-۵۷۶؛ فضل الله، ۲۰۰/۸)

از مطالب فوق، نتیجه می‌گیریم که با توجه به استعداد انسان‌ها در ادوار مختلف و نوع و عمق فرهنگ حاکم بر آن‌ها، برای برقراری ارتباط موثر با آن‌ها به منظور هدایت به کمال انسانی و آن‌چه هدف ارسال پیامبران بوده است، الزاماً بایستی از روش‌ها و قاعده‌های

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

متفاوت بهره گرفت. آن‌چه شایسته است به آن توجه شود، اختلاف در قواعد و روش‌ها الزاماً در بستر ادوار مختلف شکل نمی‌گیرد و اِعمال آن در یک دوره زمانی نیز محتمل و معتبر است. از طرف دیگر خداوند برای آزمایش انسان‌ها و تمایز آن‌ها از حیث عملکرد در این دنیا بر مبنای دستورات الهی و رعایت اصل عدم تکلیف مالایطاق، شرایع متفاوت را توسط پیامبران خود نازل کرده است.

٤. صدور حکم بر مبنای کدام شریعت

سوالی که در این‌جا مطرح می‌گردد، این است که تکلیف مردم در کل جهان اعم از مسلمانان و اهل کتاب در ارتباط با اجرای احکام الهی چیست؟ به بیان دیگر آیا بعد از بعثت پیامبر گرامی اسلام(ص)، اهل کتاب بایستی از شریعت پیامبر اسلام(ص) تبعیت کنند یا می توانند، هم‌چنان بر شریعت خود پایبند باشند؟

اکثر قریب به اتفاق مفسران، در تبیین عبارت فاحکم بینهم بما انزل الله، قائل به این هستند که پیامبر گرامی اسلام(ص) در صورت مراجعه اهل کتاب برای حکمیت بین ایشان، می‌بایست براساس شریعت نازل شده در قرآن حکم صادر کند. (طبری، ۱۷۴/۶؛ طوسی، ۵۴۴/۳؛ طبرسی، ۶۲/۷؛ فخر رازی، ۳۷۲/۶؛ حقی برسوی: ۴۰۰/۲؛ شحاته، ۱۰۹۷/۳؛ قاسمی، ۱۵۷/۴؛ شوکانی، ۵۵/۲؛ ابی السعود، ۴۵/۳؛ مراغی، ۱۳۰/۶؛ ابن عاشور، ۱۲۴/۵؛ شحاته، ۱۰۹۷/۳؛ مکارم، ۴۰۱/۴؛ ثعلبی، ۷۴/۴؛ ثعالبی، ۳۹۱/۲؛ رشیدرضا، ۴۱۲/۶؛ سید قطب، ۹۰۲/۲)

البته دروزه، نظر متفات‌تری دارد. ایشان با توجه به سیاق آیات قبل اظهار می‌دارد که توجه مسلمانان به کتب آسمانی قبل از قرآن منحصر در ایمان به آن‌چه در آن‌ها نازل شده و نیز قائل بودن به وحدت در مبدأ صدور و اهداف اصلی مجتمع در آن‌ها و قرآن می‌باشد. جائی‌که آیات ۱۵ سوره شوری و ۴۶ سوره عنکبوت به آن اشاره دارند. سیاق آیات مورد بحث اولاً بر تثبیت احکام تورات و انجیل برای اهل آن اشاره داشته و ثانیاً حقانیت نفوذ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

احکام موجود در آن‌ها بعد از بعثت پیامبر اکرم(ص) را پذیرفته است. شاید این نظر با دعوت قرآن به ایمان آوردن یهود و نصاری به پیامبر اکرم(ص) و آن‌چه بر او نازل شده، متناقض جلوه کند، لکن در پاسخ باید گفت: آیات فوق ناظر بر قضاوت میان اهل کتاب است و مربوط به دعوت محمدی(ص) ناظر به موارد پیش گفته نمی‌باشد. به نظر ایشان، اهل کتاب مختارند در مسایل اختلافی به احکام خود عمل کنند ولی در صورت مراجعه به محاکم قضایی مسلمانان، قاضی می‌بایست به حکم قرآن بین آن‌ها حکمرانی کند. (دروزه، ۱۵۰/۹)

۵. نسبت تبعیت از شریعت با ایمان آوردن به خدا

سوالی که در این خصوص مطرح است، این‌که آیا ایمان‌آوردن به انبیاء الهی به منزله پذیرش شریعتی است که آن‌ها آورده‌اند؟ آیا اهل کتاب موظفند و از طرف خداوند تکلیف دارند از شریعت پیامبر اکرم(ص) تبعیت کنند؟ آیا وقتی خداوند اهل کتاب را توصیه می‌کند به آن‌چه خداوند بر پیامبر اکرم (ص) نازل کرده، ایمان بیاورند، به این معنی است که شریعت خود را کنار بگذارند و از شریعت دین اسلام تبعیت کنند؟ در ادامه آیات مربوطه مورد بررسی و تبیین قرار گرفته‌اند.

برخی از آیاتی که در آن‌ها به مسلمانان توصیه شده است به آن‌چه در گذشته از طرف خداوند بر مردم نازل شده است، ایمان بیاورند در زیر آمده‌اند.

«ذَلِکَ الْکِتَابُ لَا رَیْبَ فِیهِ هُدًی لِلْمُتَّقِینَ * الَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِالْغَیْبِ وَیُقِیمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ یُنْفِقُونَ * وَالَّذِینَ یُؤْمِنُونَ بِمَا أُنْزِلَ إِلَیْکَ وَمَا أُنْزِلَ مِنْ قَبْلِکَ وَبِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُونَ»[1]

از صفات متقین، ایمان آوردن است به آن‌چه قبل از پیامبر اکرم(ص) از طرف خداوند نازل شده است.

«یَا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا آمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالْکِتَابِ الَّذِی نَزَّلَ عَلَی رَسُولِهِ وَالْکِتَابِ الَّذِی أَنْزَلَ

---

۱. این است کتابی که در [حقانیت] آن هیچ تردیدی نیست [و] مایه هدایت تقواپیشگان است* آنان که به غیب ایمان می آورند و نماز را بر پا می دارند و از آنچه به ایشان روزی داده ایم انفاق می کنند * و آنان که بدانچه به سوی تو فرود آمده و به آنچه پیش از تو نازل شده است ایمان می آورند و آنانند که به آخرت یقین دارند. (البقره، ۲-۴)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

مِنْ قَبْلُ وَمَنْ يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا»[1]

در این آیه و نیز آیه ۱۳۶ سوره بقره[2]، از مسلمانان خواسته شده است به کتاب‌هایی که قبلاً بر پیامبران گذشته نازل شده‌اند، ایمان بیاورند. بدیهی است که آن کتاب‌ها علاوه بر این‌که شامل اصول محکم و لایتغیر بوده‌اند، مشتمل بر احکام و آن‌چه که از آن به عنوان شریعت نام برده می‌شود، نیز بوده‌اند. آیا این ایمان، مسلمانان را به عمل به آن احکام راهنمایی می‌کند؟

بر مبنای آیه فوق، مسلمانان می‌بایست به تمام پیامبران الهی ایمان بیاورند. ایمان به پیامبران دیگر ادیان توحیدی به معنای عمل به شریعت آن ادیان نیست. آن‌چه مهم است تسلیم خداوند بودن، شاه کلید بیان همه انبیاء است. همین مطلب در آیه ۸۴ سوره آل‌عمران[3] و خطاب به پیامبر اکرم(ص) نیز آمده است.

بنابر استدلال فوق و بر اساس آیه زیر، می‌توان نتیجه گرفت که ایمان‌آوردن اهل کتاب به آن‌چه بر پیامبر اکرم(ص) نازل شده است، به معنای عمل به شریعت اسلام توسط آنان نخواهد بود.

«وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْهِمْ خَاشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ[4]»

---

۱. ای کسانی که ایمان آورده اید به خدا و پیامبر او و کتابی که بر پیامبرش فرو فرستاد و کتابهایی که قبلا نازل کرده بگروید و هر کس به خدا و فرشتگان او و کتابها و پیامبرانش و روز بازپسین کفر ورزد در حقیقت دچار گمراهی دور و درازی شده است. (النساء، ۱۳۶)

۲. «قُولُوا آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ.» بگویید ما به خدا و به آنچه بر ما نازل شده و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل آمده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و به آنچه به همه پیامبران از سوی پروردگارشان داده شده ایمان آورده‌ایم میان هیچ یک از ایشان فرق نمی‌گذاریم و در برابر او تسلیم هستیم.

۳. «قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ. بگو به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده گرویدیم و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم. (آل‌عمران، ۸۴)

۴. و البته از میان اهل کتاب کسانی هستند که به خدا و بدانچه به سوی شما نازل شده و به آنچه به سوی خودشان فرود آمده ایمان دارند در حالی که در برابر خدا خاشعند و آیات خدا را به بهای ناچیزی نمی‌فروشند اینانند که نزد پروردگارشان پاداش خود را خواهند داشت آری خدا زودشمار است. (آل‌عمران، ۱۹۹)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

در این آیه، اجری که خداوند به اهل کتاب به واسطه ایمان آوردن به آن‌چه بر پیامبر اکرم(ص) و بر خود آن‌ها نازل شده است، می‌دهد، مشروط به تبعیت از شریعت دین اسلام نشده است.

۶. تبیین واژه "الاسلام" در قرآن

در این بخش، به بررسی مفهومی واژه "الاسلام" در قرآن پرداخته شده است. به این منظور، آیات مرتبط مورد تحقیق قرار می‌گیرند.

در آیاتی که واژه الاسلام آمده است، به بیان قریب به اتفاق مفسران، معنای لغوی آن مورد تاکید قرار گرفته و به معنای اصطلاحی آن که دین اسلام نامگذاری شده است، اشاره نشده است.

«أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ * قُلْ آمَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنْزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنْزِلَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَى وَعِيسَى وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ * وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ[1]»

دین خداوند به معنای آئین و بن‌مایه مرام انسان‌ها، واحد است و در ادوار مختلف، دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شود. در آیات فوق، بعد از ذکر دین خدا، از تسلیم آن‌چه در آسمان‌ها و زمین است، در برابر خداوند سخن به میان آمده است. سپس عدم تفاوت میان پیامبران الهی(قاعدتاً در دین) را تاکید می‌کند و در آخر دین خود را "اسلام" معرفی می‌کند. بدیهی است که هر کس جز اسلام برای خود دینی را برگزیند، مورد قبول و رضایت خداوند، نخواهد بود. در این آیه واژه "الاسلام"، به معنای لغوی خود یعنی تسلیم

---

۱. آیا جز دین خدا را می‌جویند با آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه و ناخواه سر به فرمان او نهاده است و به سوی او بازگردانیده می‌شوید. * بگو به خدا و آنچه بر ما نازل شده و آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط نازل گردیده و آنچه به موسی و عیسی و انبیای [دیگر] از جانب پروردگارشان داده شده گرویدیم و میان هیچ یک از آنان فرق نمی‌گذاریم و ما او را فرمانبرداریم. * و هر که جز اسلام دینی [دیگر] جوید هرگز از وی پذیرفته نشود و وی در آخرت از زیانکاران است. (آل‌عمران، ۸۳-۸۵)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

شدن در برابر حق(خداوند) مطرح شده است و نه مشخصاً اسلام به معنای دینی کـه پیـامبر اکرم(ص) آورده است.

مفسران دیگری هم واژه "الاسـلام" را توحیـد و تسـلیم خـدا بـودن معنـا کـرده‌انـد. (زمخشری، ۳۸۱/۱؛ ابن عرفه، ۳۸۰/۱؛ فـیض کاشـانی، ۳۵۳/۱؛ حقـی برسـوی، ۵۸/۲؛ بلاغی، ۳۰۸/۱؛ مدرسی، ۶۰۴/۱؛ طوسی، ۵۹۴/۹) همچنین برخی مفسران در ذیل آیه ۱۹ سوره آل‌عمران[۱] این‌گونه آورده‌اند: دین نزد خداوند، یکتاسـت و همـان اسـلام بـه معنـای تسلیم و فرمانبرداری همراه با خضوع و ذلت در برابر حـق (خداونـد) اسـت. ایـن معنـا را برخی از مفسران ارائه کرده‌اند. (طباطبایی، ۱۸۸/۳-۱۸۹؛ طبری، ۱۴۱/۳؛ طبرانی، ۲۷/۲؛ طوسی، ۴۱۸/۲؛ ابوالفتـوح رازی، ۲۳۵/۴؛ فخـر رازی، ۱۷۲/۷؛ مکـارم، ۴۷۰/۲؛ طیـب، ۱۴۳/۳) برخی دیگر اسلام را به معنای خلوص بر ای خدا و شـریک قرارنـدادن بـرای او دانسته‌اند.(ابن ابی‌حاتم، ۶۱۸/۲؛ شحاته، ۵۴۰/۲) برخی هم اسلام را بـه معنـای توحیـد و عدل بیان کرده‌اند. (زمخشری، ۳۴۵/۱)

به قرینه آیه قبل که مورد تحقیق قرار گرفت، در آیه ۳ سوره مائده[۲] نیز منظور از مفهوم "الاسلام"، همان معنای لغوی آن است. منظور از دین اسلام، دین توحید است، یعنی غیر از

---

۱. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ. در حقیقت دین نزد خدا همان اسلام است و کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده شده بـا یکـدیگر به اختلاف نپرداختند مگر پس از آنکه علم برای آنان [حاصل] آمد آن هم به سابقه حسدی کـه میـان آنـان وجـود داشت و هر کس به آیات خدا کفر ورزد پس [بداند] که خدا زودشمار است.

۲. حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَامِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَئِسَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتْمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنِ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرَ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. بر شما حرام شده است مردار و خون و گوشت خوک و آنچه به نام غیر خدًا کشته شده باشد و [حیوان حلال گوشت] خفه شده و به چوب مرده و از بلندی افتاده و به ضرب شاخ مرده و آنچه درنده از آن خورده باشـد مگـر آنچه را [که زنده دریافته و خود] سر ببرید و [همچنین] آنچه برای بتان سربریده شده و [نیـز] قسـمت کـردن شـما [چیزی را] به وسیله تیرهای قرعه این [کارها همه] نافرمانی [خدا]ست امروز کسانی که کافر شده اند از [کارشـکنی در] دین شما نومید گردیده اند پس از ایشان مترسید و از من بترسید امروز دین شما را برایتان کامل و نعمت خـود را بر شما تمام گردانیدم و اسلام را برای شما [به عنوان] آیینی برگزیدم و هر کس دچار گرسنگی شود بی‌آنکـه بـه گناه متمایل باشد [اگر از آنچه منع شده است بخورد] بی تردید خدا آمرزنده مهربان است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

خدا در آن دین، کسی اطاعت و پرستش نمی‌شود. (طباطبایی، ۲۹۲/۵)

همچنین امام علی(ع) در تعریف اسلام آورده است: الاسلام هو التسلیم (کلینی، ۴۵/۲). امام صادق(ع) در روایتی در پاسخ به این سوال که اسلام چیست؟ چنین فرمود: دین خدا نامش اسلام است، و آن دین خداوند بود قبل از آنکه شما وجود داشته باشید، هر کس به دین خداوند اقرار کند او مسلمان است، و هر کس اوامر خداوند را انجام دهد او مؤمن می‌باشد. فضل بن شاذان گوید: مامون از امام رضا(ع) سؤال کرد که حقیقت اسلام را با اختصار برای او بنویسد، امام(ع) نوشت: حقیقت اسلام آن است که بر یگانگی خداوند شهادت دهی و شریکی برای او قائل نگردی، و او را با همه صفات بشناسی. (کلینی، همانجا، ۳۲۶)

در بیانات معصومین(ع)، اسلام حقیقتی است که در میان همه ادیان توحیدی مشترک است و منحصر در آن‌چه که پیامبر اکرم(ص) به آن مبعوث شده نیست. اسلام در معنای اصطلاحی آن که دین پیامبر خاتم(ص) حضرت محمد(ص) است، صرفا برای بیان تسلیم اعراب در مقابل پیامبر اکرم(ص) است تا جان و مال آن‌ها در امان باشد و بتوانند همچون دیگر گروندگان به آئین پیامبر(ص)، در مناسبات اجتماعی مشارکت داشته باشند. همانگونه که از آمام صادق(ع) آمده است: ... اما معنی اسلام اقرار به همه طاعت‌ها در ظاهر می‌باشد، هر گاه شخصی در ظاهر اسلام را اختیار کرد و عبادات را انجام داد ولی در باطن به آنها اعتقاد نداشت او را مسلمان می‌نامند و در ظاهر تحت ولایت اسلام می‌باشد و شهادتش مورد قبول است.(کلینی، همانجا، ۳۴۳)

در آیاتی که از ریشه سلم واژه‌های اسلَمَ، اسلِم، اسلمتُ، أاسلمتُم، اسلَموا، اسلِموا، لنسلم، اسلما، أُسلِمَ استفاده شده، معنای لغوی مستفاد است. حتی در آیاتی که واژه های اسلامکم و اسلامهم بکار رفته است نیز از تبیین مفسران نه به طور صریح بلکه به طور ضمنی، معنای لغوی برداشت می‌شود.

شاید برخی بر این باور باشند که در آیه ۱۴ سوره حجرات[1] منظور از واژه أَسْلَمْنا،

---

۱. قالَتِ الْأَعْرابُ آمَنَّا قُلْ لَمْ تُؤْمِنُوا وَ لكِنْ قُولُوا أَسْلَمْنا وَ لَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمانُ فی قُلُوبِكُمْ وَ إِنْ تُطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ لا يَلِتْكُمْ مِنْ

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

معنای اصطلاحی آن و دین اسلام است ولی علامه طباطبایی[۱] و مکارم شیرازی[۲] به طور ضمنی به معنای لغوی آن نیز اشاره کرده‌اند. اگر در این آیه معنای اصطلاحی اسلام به عنوان دین پیامبر خاتم(ص) نیز مورد نظر باشد، مخاطب آیه اعراب شبه جزیره عربستان هستند و نه همه مردم. به عبارت دیگر اهل کتاب مخاطب این آیه نیستند.

۷. لزوم عمل به شریعت خود، توسط اهل کتاب

«وَكَيْفَ يُحَكِّمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّوْرَاةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ * إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّوْرَاةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يَحْكُمُ بِهَا النَّبِيُّونَ الَّذِينَ أَسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا النَّاسَ وَاخْشَوْنِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ * وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ * وَقَفَّيْنَا عَلَى آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَآتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَاةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِلْمُتَّقِينَ * وَلْيَحْكُمْ أَهْلُ الْإِنْجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»[۳]

أَعْمالِكُمْ شَيْئاً إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. اعراب بادیه‌نشین به تو گفتند ایمان آوردیم. بگو: نه، هنوز ایمان نیاورده‌اید و باید بگویید اسلام آوردیم چون هنوز ایمان در دلهای شما داخل نشده و اگر خدا و رسول را اطاعت کنید خدا از پاداش اعمالتان چیزی کم نمی‌کند که خدا آمرزگار رحیم است.

۱. ایمان معنایی است قائم به قلب و از قبیل اعتقاد است، و اسلام معنایی است قائم به زبان و اعضاء، چون کلمه اسلام به معنای تسلیم شدن و گردن نهادن است. تسلیم شدن زبان به اینست که شهادتین را اقرار کند، و تسلیم شدن سایر اعضاء به این است که هر چه خدا دستور می‌دهد ظاهرا انجام دهد، حال چه اینکه واقعا و قلبا اعتقاد به حقانیت آنچه زبان و عملش می‌گوید داشته باشد، و چه نداشته باشد، و این اسلام آثاری دارد که عبارت است از محترم بودن جان و مال، و حلال بودن نکاح وارث او (طباطبایی، ۴۹۲/۱۸)

۲. سپس به گفتگوی اعراب بادیه‌نشین بازمی‌گردد که اسلام خود را به رخ پیامبر می‌کشیدند، و می‌گفتند: ما با تو از در تسلیم آمدیم در حالی که بسیاری از قبائل عرب از در جنگ آمدند (مکارم، ۲۱۶/۲۲)

۳. و چگونه تو را داور قرار می‌دهند با آنکه تورات نزد آنان است که در آن حکم خدا [آمده] ست سپس آنان بعد از این [طلب داوری] پشت می‌کنند و [واقعا] آنان مؤمن نیستند * ما تورات را که در آن رهنمود و روشنایی بود نازل کردیم پیامبرانی که تسلیم [فرمان خدا] بودند به موجب آن برای یهود داوری میکردند و [همچنین] الهیون و دانشمندان به سبب آنچه از کتاب خدا به آنان سپرده شده و بر آن گواه بودند پس از مردم نترسید و از من بترسید و

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

در آیات فوق، خداوند اهل کتاب را به اجرای احکام نازل شده به آن‌ها سفارش می‌کند و به صراحت مسیحیان را به تبعیت از احکام مندرج در انجیل توصیه می‌کند. همچنین، خداوند، پیامبر اکرم(ص) را نسبت به برخی از احکامی که در تورات به یهودیان نازل شده، آگاه می‌سازد.

در آیه ۴۸ سوره مائده[۱]، خداوند هدف از اختلاف در شریعت ادیان توحیدی را آزمایش داشته‌های آن‌ها بیان می‌کند. گذشته از این‌که سرسلسله اوامر خود را پیشتازی در خیرات و عمل صالح معرفی می‌کند. آن‌چه برای خداوند در همه شریعت‌ها حائز اهمیت است، سبقت و پیشتازی در خیرخواهی برای مردم است. (**فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ**)

آن‌چه حائز اهمیت ویژه است، به رسمیت شناختن شریعت‌های مختلف است. خداوند نخواسته است، بندگانش از یک شریعت واحد تبعیت کنند و از این لحاظ امت واحده باشند[۲]، بلکه اراده‌اش بر تمایز در شریعت است. (طبرسی، ۶۳/۷) دلیل آن هم شرایط و استعدادی است که هر قوم مختص به خود دارد. (طباطبایی، ۵۷۷/۵–۵۷۸) به نظر نگارنده، ضمیر "**هُمْ**" در عبارت "**فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ**"، به اهل کتاب برمی‌گردد و پیامبر اکرم(ص) در بین

آیات مرا به بهای ناچیزی مفروشید و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند آنان خود کافرانند * و در [تورات] بر آنان مقرر کردیم که جان در مقابل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می باشد و زخمها [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص]درگذرد پس آن کفاره [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده اند آنان خود ستمگرانند * و عیسی پسر مریم را به دنبال آنان [=پیامبران دیگر] درآوردیم در حالی که تورات را که پیش از او بود تصدیق داشت و به او انجیل را عطا کردیم که در آن هدایت و نوری است و تصدیق کننده تورات قبل از آن است و برای پرهیزگاران رهنمود و اندرزی است * و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن نازل کرده داوری کنند و کسانی که به آنچه خدا نازل کرده حکم نکنند آنان خود نافرمانند. (المائده، ۴۳–۴۷)

۱. **وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَكِنْ لِيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ**. و ما این کتاب [=قرآن] را به حق به سوی تو فرو فرستادیم در حالی که تصدیق کننده کتابهای پیشین و حاکم بر آنهاست پس میان آنان بر وفق آنچه خدا نازل کرده حکم کن و از هواهایشان [با دور شدن] از حقی که به سوی تو آمده پیروی مکن برای هر یک از شما [امتها] شریعت و راه روشنی قرار داده ایم و اگر خدا می خواست شما را یک امت قرار می داد ولی [خواست] تا شما را در آنچه به شما داده است بیازماید پس در کارهای نیک بر یکدیگر سبقت گیرید بازگشت [همه] شما به سوی خداست آنگاه در باره آنچه در آن اختلاف میکردید آگاهتان خواهد کرد.

۲. برای اطلاع بیشتر به مقاله واکاوی مفهوم تعبیر «أُمَّةً وَاحِدَةً» در قرآن کریم با تاکید بر آیه ۲۱۳ سوره بقره که توسط نگارنده، تالیف شده است، مراجعه شود.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

اهل کتاب مامور به صدور حکم براساس آن‌چه که در تورات نـازل شـده، گردیـده اسـت. دلیل مهم آن، عبارت **لِكُلٍّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُـمْ أُمَّـةً وَاحِـدَةً** اسـت. اگرچه، اگر قرار بود پیامبر اکرم(ص) بر اساس آن‌چه که در قرآن نـازل شـده، حکـم کنـد، می‌بایست چنین می‌فرمود: **"فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ"** کما این‌که در آیه بعـدی بـدان تصریح شده است.

در ابتدای آیه ۴۹ سوره مائده[۱]، مجدداً پیامبر اکرم(ص) امر می‌شود، بر اساس آن‌چه که از طرف خداوند نازل شده، حکم کند. در ادامه به پیـامبر اکـرم(ص) نسـبت بـه تبعیـت از هواهای نفسانی یهودیان در استفتاء از ایشان در خصوص حکمـی خـاص[۲] هشـدار داده و حضرتش را از فتنه‌انگیزی یهودیان برحذر می‌دارد. پیامبر اکرم(ص) مکلف است بر اسـاس آن‌چه که خداوند از احکام مندرج در تورات، او را آگاه ساخته و بر او نازل کرده است، در میان آن‌ها حکم کند. به عبارت دیگر، منظور ایـن نیسـت کـه پیـامبر اکـرم(ص) در میـان یهودیان بر اساس آن‌چه که بر ایشان در خصوص عرب عصر جاهلیت نـازل شـده اسـت، حکم کند، بلکه منظور این است که بر اساس آن‌چه که بر پیامبر اکرم(ص) از احکام مندرج در تورات نازل شده است، حکم کند.

دلیل این مدعا، این است که پیامبر اکرم(ص) در مراجعه اهـل کتـاب بـه ایشـان بـرای صدور حکم در خصوص قصاص نفس، براساس آیه ۴۵ سوره مائده[۳] عمل می‌کند و نه بـر

---

۱. «وَأَنِ احْكُمْ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَاحْذَرْهُمْ أَنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْ أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ وَإِنَّ كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ.» و میان آنان به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری کـن و از هواهایشان پیروی مکن و از آنان برحذر باش مبادا تو را در بخشی از آنچه خدا بر تو نازل کرده به فتنه دراندازنـد پس اگر پشت کردند بدان که خدا می خواهد آنان را فقط به [سزای] پـاره ای از گناهانشـان برسـاند و در حقیقـت بسیاری از مردم نافرمانند.

۲. یهودیان در خصوص اخذ دو حکم، یکی حکم مجازات زنا و دیگری حکم قصاص بـه پیـامبر اکـرم(ص) مراجعـه کردند که در پی آن آیات ۴۱ تا ۵۰ سوره مائده نازل شدند. (دروزه، ۱۲۸/۹)

۳. «وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنَّ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يَحْكُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ.» و در [تورات] بر آنان مقرر کـردیم کـه جـان در مقابـل جان و چشم در برابر چشم و بینی در برابر بینی و گوش در برابر گوش و دندان در برابر دندان می‌باشـد و زخمهـا [نیز به همان ترتیب] قصاصی دارند و هر که از آن [قصاص] درگذرد پس آن کفاره [گناهان] او خواهد بود و کسانی که به موجب آنچه خدا نازل کرده داوری نکرده‌اند آنان خود ستمگرانند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

مبنای آیه ۱۷۸ سوره بقره[۱] . این در حالی است که در شریعت اسلام، قصاص نفس در مورد زن و مرد در برابر هم و بدون شرط اجرا نشده است. همچنین در روایتی از امام صادق(ع) به نقل از امام علی(ع) آمده است:

«لَوْ وُضِعَتْ لِي وِسَادَةٌ ثُمَّ اتَّكَيْتُ عَلَيْهَا لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ التَّوْرَاةِ بِالتَّوْرَاةِ حَتَّى تَزْهَرَ إِلَى رَبِّهَا وَ لَوْ وُضِعَتْ لِي وِسَادَةٌ ثُمَّ اتَّكَيْتُ عَلَيْهَا لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ الْإِنْجِيلِ بِالْإِنْجِيلِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى رَبِّهِ وَ لَوْ وُضِعَتْ لِي وِسَادَةٌ ثُمَّ اتَّكَيْتُ عَلَيْهَا لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ الزَّبُورِ بِالزَّبُورِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى رَبِّهِ وَ لَوْ وُضِعَتْ لِي وِسَادَةٌ ثُمَّ اتَّكَيْتُ عَلَيْهَا لَقَضَيْتُ بَيْنَ أَهْلِ الْقُرْآنِ بِالْقُرْآنِ حَتَّى يَزْهَرَ إِلَى رَبِّهِ.[۲]»

البته عبارت "بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ" هم مشتمل بر احکامی است که از تورات بر پیامبر اکرم(ص) و برای آگاهی ایشان نازل شده و هم مشتمل بر اصول کلی‌ای است که بر ایشان نازل شده و پیامبر اکرم(ص) پس از نزول بر آن‌ها علم پیدا کرده است. اصول کلی عبارتند از، حکمیت مبتنی بر حق (ص، ۲۶)، حکمیت بر اساس قسط (المائده، ۴۲؛ النساء، ۵۸)، عدم تبعیت از هواهای نفسانی یهودیان (المائده، ۴۸)، هوشیاری نسبت به فتنه‌انگیزی آنان (المائده، ۴۹)، عدم طرفداری از مرفهان در برابر مستضعفان (النساء، ۱۰۵) و ... .

در تایید اصرار خداوند بر اختلاف در شریعت و نحوه عبادتش، می‌توان به آیات ۶۷ تا

---

۱. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلَى الْحُرُّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنْثَى بِالْأُنْثَى فَمَنْ عُفِيَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعٌ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِنْ رَبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ فَمَنِ اعْتَدَى بَعْدَ ذَلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ.» ای کسانی که ایمان آورده اید در باره کشتگان بر شما [حق] قصاص مقرر شده آزاد عوض آزاد و بنده عوض بنده و زن عوض زن و هر کس که از جانب برادر [دینی]اش [یعنی ولی مقتول] چیزی [از حق قصاص] به او گذشت شود [باید از گذشت ولی مقتول] به طور پسندیده پیروی کند و با [رعایت] احسان [خونبها را] به او بپردازد این [حکم] تخفیف و رحمتی از پروردگار شماست پس هر کس بعد از آن از اندازه درگذرد وی را عذابی دردناک است.

۲. اگر بالشی برایم می‌گذاشتند و بر آن تکیه می‌دادم، بین اهل تورات به وسیله تورات داوری می‌کردم تا اینکه به سوی پروردگارش شکوفا شود و اگر بالشی برایم می‌گذاشتند و بر آن تکیه می‌دادم، بین اهل انجیل به وسیله انجیل داوری می‌کردم تا اینکه به سوی پروردگارش شکوفا شود و اگر بالشی برایم می‌گذاشتند و بر آن تکیه می‌دادم، بین اهل زبور به وسیله زبور داوری می‌کردم تا اینکه به سوی پروردگارش شکوفا شود و اگر بالشی برایم می‌گذاشتند و بر آن تکیه می‌دادم، بین اهل قرآن به وسیله قرآن داوری می‌کردم تا اینکه به سوی پروردگارش شکوفا شود. (بصائر الدرجات، ۳۷)

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۶۹ سوره حج نیز اشاره کـرد.[۱] در ایـن آیـات، خداونـد، پیـامبر اکـرم(ص) را از ورود در منازعه و جدل با کسانی که در نوع مناسک اسلام در عبادت خداوند، بـا او برخاسـته‌انـد، برحذر می‌دارد و متذکر می‌شود که خداوند برای هر امتی روشی برای عبـادتش قـرار داده است. علت آن هم اختلاف امت ها به لحاظ مکانی، زمانی و شرایط اجتماعی اسـت. حتـی اختلاف در وضعیت افراد مختلف نیز، باعث اجرای احکام متفاوت بین آن‌ها می‌شود. علـت هم تثبیت جامعه سالم و امن است. (مدرسی، ۱۲۰/۸)

علامه طباطبایی در ذیل این آیه آورده است: پس سبقت در خیرات کنید، خیراتـی کـه عبارت است از همان احکام و تکالیف شریعت و به جای سبقت گـرفتن در عمـل بـه ایـن احکام، خود را مشغول به اختلافاتی که بین شـما و دیگـران هسـت، نکنیـد کـه مرجـع و برگشت همه شما و آنان به سوی پروردگارتان است و پروردگارتان، شما را به آن‌چـه کـه در باره‌اش اختلاف می‌کردید، خبر می‌دهد و بین شـما و آنـان حکمـی قـاطع و قضـاوتی عادلانه خواهد کرد.(طباطبایی، ۵۷۹/۵)

بر مبنای آیه ۴۲ سوره مائده[۲]، پیامبر اکرم(ص) مخیر است بین اهل کتاب حکمیت کنـد یا نکند. اگر قرار بود همه بشر بعد از بعثت پیامبر اکرم(ص) از شریعت اسلام و احکام نازله بر پیامبر اکرم(ص) تبعیت کنند، اولاً لازم می‌آمد پیامبر اکرم(ص) این مهم را به اهل کتـاب و دیگر انسان‌ها ابلاغ می‌کرد، ثانیاً خداونـد در صـورت مراجعـه اهـل کتـاب، بـه پیـامبر اکرم(ص) می‌فرمود براساس احکام نازل شده بر خود، بین آن‌ها حکمیت کند. نه تنهـا امـر

---

۱. «لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنَازِعُنَّكَ فِي الْأَمْرِ وَادْعُ إِلَى رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَى هُدًى مُسْتَقِيمٍ * وَإِنْ جَادَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ * اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ.» برای هر امتی مناسکی قرار دادیم کـه آنهـا بـدان عمل می کنند پس نباید در این امر با تو به ستیزه برخیزند به راه پروردگارت دعوت کن زیرا تو بـر راهـی راسـت قرار داری * و اگر با تو مجادله کردند بگو خدا به آنچه می کنید داناتر است * خدا روز قیامت در مورد آنچـه بـا یکدیگر در آن اختلاف میکردید داوری خواهد کرد.

۲. «سَمَّاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَّالُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَاحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ.» پذیرا و شنوای دروغ هستند [و] بسیار مال حرام می‌خورند پس اگر نـزد تو آمدند [یا] میان آنان داوری کن یا از ایشان روی برتاب و اگر از آنان روی برتابی هرگز زیانی بـه تـو نخواهنـد رسانید و اگر داوری می‌کنی پس به عدالت در میانشان حکم کن که خداوند دادگران را دوست می‌دارد.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

اول اتفاق نیفتاده است، بلکه اصراری هم بر حکمیت پیامبر اکرم(ص) بین آن‌ها نیست. این‌جاست که در حکومت اسلامی، به قاضی هم، همین اجازه داده شده است.[۱] بنابراین خداوند اجازه داده است، در یک زمان هر قوم به اقتضای شریعت نازل شده بر او عمل نمایند.

در پایان این بخش لازم به تاکید است که چنان‌چه از طرف خداوند قرار بر نسخ حکمی از احکام انجیل و یا تورات باشد، حکم جدید را بر پیامبر خاتم(ص) نازل می‌فرمود. به این معنی که نسخ جزئی یا کلی در صورت صلاحدید خداوند، با بعثت پیامبر اسلام(ص) برای شریعت‌های اهل کتاب متصور است.

۸. کاربرد ریشه "تبع" در مواجهه با اهل کتاب

در آیاتی چند از قرآن کریم در مواجهه با اهل کتاب، واژه‌هایی از ریشه "تبع" مورد استفاده قرار گرفته است. در این بخش با توجه به آیات قرآن، به بررسی معنایی واژه تبعیت و ارتباط آن با شریعت پرداخته شده است.

در آیه ۱۲۰ سوره بقره[۲]، موضوع تبعیت از ملت یهود و ملت نصاری مطرح است. با توجه به تعریف واژه "ملت"[۳]، منظور این است که پیامبر اکرم(ص) از آئین و مرام آن‌ها پیروی کند. آئینی که در نتیجه پیروی از هوای نفس در زندگی آن‌ها نهادینه شده است. اهل کتاب از پیامبر اکرم(ص) نمی‌خواستند از شریعت آن‌ها پیروی کند[۴]، بلکه در مواردی

---

۱. در تفسیر نمونه ذیل آیه ۴۲ سوره مائده آمده است: بعضی دیگر معتقدند که حکومت اسلامی هم‌اکنون نیز درباره غیرمسلمانان این اختیار را دارد که شرائط و اوضاع را در نظر گرفته، چنان‌چه مصلحت ببینند طبق احکام اسلام درباره آن‌ها رفتار کند و یا آن‌ها را به قوانین خودشان رها سازد. (مکارم، ۳۸۷/۴)

۲. وَلَنْ تَرْضَى عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَى حَتَّى تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ قُلْ إِنَّ هُدَى اللَّهِ هُوَ الْهُدَى وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ. و هرگز یهودیان و ترسایان از تو راضی نمی شوند مگر آنکه از کیش آنان پیروی کنی بگو در حقیقت تنها هدایت خداست که هدایت [واقعی] است و چنانچه پس از آن علمی که تو را حاصل شد باز از هوسهای آنان پیروی کنی در برابر خدا سرور و یاوری نخواهی داشت.

۳. ملت مثل دین است و اسمی است برای آئین که خداوند برای بندگانش مقرّر داشته و بر زبان انبیاء جاری شده تا با عمل کردن به دین خدائی به قرب و جوار حق برسند، تفاوت معنی ملت با دین در اینست که- ملت- فقط به پیامبری اضافه می‌شود که آن آئین به او مستند است .(راغب، ۲۴۰)

۴. «وَقَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ آمِنُوا بِالَّذِي أُنْزِلَ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَجْهَ النَّهَارِ وَاكْفُرُوا آخِرَهُ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ * وَلَا

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

درخواست داشتند، خواسته‌های نفسانی آن‌ها را تایید کند. (دروزه، ۱۲۸/۹) برای همین هم خداوند، پیامبر اکرم(ص) را نسبت به این کار بر حذر می‌دارد.

در بخش‌های قبلی در خصوص معنای "الاسلام" در آیه ۱۹ سوره آل‌عمران مطالبی بیان شد. در آیه بعدی، پیامبر اکرم(ص) بیان می‌دارد که روی خود را به سمت خدا قرار داده است و تسلیم اوست و هر کسی هم که از او تبعیت کند، همین کار را خواهد کرد. از اهل کتاب و مشرکان هم همین رویکرد را خواستار است. در این‌جا موضوع بحث رویکرد است. آئین و مرام است. به تعبیر دیگر پذیرش دین اسلام به معنای لغوی آن است. در این‌جا سخن از چارچوب‌ها و اصول است و شریعت در این‌جا مورد توجه نیست. در ادامه آیه هم می‌فرماید، هر کس به این دین گروید، هدایت خواهد یافت.

هم‌چنین در آیه ۶۷ سوره آل عمران، ابراهیم(ع)، مسلمان معرفی می‌شود و در آیه بعدی تاکید می‌گردد که نزدیک‌ترین مردم به ابراهیم(ع)، کسی است که از او پیروی کند. البته پیامبر اکرم(ص) یکی از آن پیروان ایشان است. در نتیجه ملاحظه می‌شود، موضوع تبعیت در این آیات فراتر از تبعیت از شریعت ابراهیم(ع) است. کما این‌که در آیه ۱۲۳ سوره نحل[1]، پیامبر اکرم(ص) به صراحت به تبعیت از ملت ابراهیم(ع) به معنای دین و آئین توصیه می‌شود.

در آیه ۱۵۷ سوره اعراف[2]، به اهل کتاب توصیه می‌شود، به پیامبر اکرم(ص) ایمان

تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَى هُدَى اللَّهِ أَنْ يُؤْتَى أَحَدٌ مِثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ.» و جماعتی از اهل کتاب گفتند در آغاز روز به آنچه بر مؤمنان نازل شد ایمان بیاورید و در پایان [روز] انکار کنید شاید آنان [از اسلام] برگردند. * و [گفتند] جز به کسی که دین شما را پیروی کند ایمان نیاورید بگو هدایت هدایت خداست مبادا به کسی نظیر آنچه به شما داده شده داده شود یا در پیشگاه پروردگارتان با شما محاجه کنند بگو [این] تفضل به دست خداست آن را به هر کس که بخواهد می دهد و خداوند گشایشگر داناست. (آل‌عمران، ۷۲-۷۳)

۱. «ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنِ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ». سپس به تو وحی کردیم که از آیین ابراهیم حق‌گرای پیروی کن [چرا که] او از مشرکان نبود.

۲. «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَاةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنْزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ.» همانان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

آورده، او را عزیزداشته و یاری‌کنند و از نوری که به همراه او نازل شده است، تبعیت کنند. در بخش‌های قبلی در خصوص نسبت ایمان با پذیرش شریعت و همچنین معنای تبعیت از دین و آئین مطالبی ارائه گردید. در نتیجه، به نظر می رسد، تبعیت از پیامبر اکرم(ص) توسط اهل کتاب، لزوماً به معنای پذیرش شریعت نازله بر ایشان در خصوص اعراب شبه جزیره نیست، اگرچه منعی هم برای پذیرش آن توسط اهل کتاب و دیگر مردم وجود ندارد. انتظاری که خداوند از اهل کتاب دارد، پذیرش حقانیت پیامبر اکرم(ص) در نفی بت‌پرستی و یاری ایشان در تحکیم این امر در میان امّیین (کسانی که کتابی از طرف خداوند بر آن‌ها، نازل نشده است) و گسترش فضایل اخلاقی در جامعه است. ضمن این‌که خداوند در آیه ۱۹ سوره مائده[۱]، اهل کتاب را متوجه ارسال پیامبر اکرم(ص) بعد از مدت زمان طولانی می‌کند. و بر اساس آیه ۱۴ همین سوره[۲]، چه بسا لازم است برخی از احکام نازل شده بر اهل کتاب با توجه به شرایط جدید و انحرافاتی که در برخی از آن‌ها صورت گرفته، اصلاح یا تکمیل شوند. در این صورت اهل کتاب موظف به پیروی از احکام جدید خواهند بود.

۹. تعامل اهل کتاب با پیامبر اکرم(ص) بر مدار مشترکات

در هنگامه جدال بین پیامبر اکرم(ص) و اهل کتاب، خداوند، در آیه ۶۴ سوره

که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می‌یابند پیروی می کنند [همان پیامبری که] آنان را به کار پسندیده فرمان می دهد و از کار ناپسند باز می دارد و برای آنان چیزهای پاکیزه را حلال و چیزهای ناپاک را بر ایشان حرام می‌گرداند و از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است برمی‌دارد پس کسانی که به او ایمان آوردند و بزرگش داشتند و یاریش کردند و نوری را که با او نازل شده است پیروی کردند آنان همان رستگارانند.

۱. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَى فَتْرَةٍ مِنَ الرُّسُلِ أَنْ تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِنْ بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده که در دوران فترت رسولان [حقایق را] برای شما بیان می کند تا مبادا [روز قیامت] بگویید برای ما بشارتگر و هشداردهنده ای نیامد پس قطعا برای شما بشارتگر و هشداردهنده ای آمده است و خدا بر هر چیزی تواناست.

۲. يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيراً مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ. ای اهل کتاب پیامبر ما به سوی شما آمده است که بسیاری از چیزهایی از کتاب [آسمانی خود] را که پوشیده می‌داشتید برای شما بیان می‌کند و از بسیاری [خطاهای شما] درمی‌گذرد قطعا برای شما از جانب خدا روشنایی و کتابی روشنگر آمده است.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

آل‌عمران[۱]، آنان را به پایبندی بر امور مشترک بین آن‌چه بر پیامبر اکرم(ص) و آن‌چه بر ایشان نازل شده، دعوت می‌کند. اصول مشترک، عبارتند از عبادت پروردگار و شریک قائل نشدن برای او و اربابی را غیر از خدا برنگزیدن. در این آیه که در مدینه منوره نازل شده است، بیانی در خصوص ضرورت پذیرش شریعت پیامبر اکرم(ص) توسط اهل کتاب مطرح نشده است. آن‌چه که اهل کتاب بر آن پای می‌فشردند، این بود که ابراهیم(ع) مختص به آن‌هاست. در حالی‌که ابراهیم(ع) قبل از آن‌ها می‌زیسته و ربطی به هر یک از آن‌ها ندارد. حتی پیامبر اکرم(ص) پیرو دستور خداوند، از آئین ابراهیم(ع) تبعیت می‌کرده و خود مدعی آن بوده است. پیامبر اکرم(ص)، اهل کتاب را که مدعی بودند پیرو آئین ابراهیم(ع) هستند، به همان آئین دعوت می‌کند و از محاجّه آن‌ها در احکام دین واحد در شگفت بود.

نکته حائز اهمیت در این آیه، این است که آیا درخواست پیامبر اکرم(ص) از اهل کتاب یک امر تاکتیکی بوده یا اصولاً راهبرد بعثت پیامبران الهی همین است؟

۱۰. نتیجه مقاله

یکی از مباحثی که در بین اندیشمندان مسلمان مطرح است، دعوت آن‌ها از مردم دنیا به گرایش به دین اسلام به عنوان دین پیامبر خاتم(ص) است. اصرار آن‌ها بر اجرای شریعت اسلام به عنوان جایگزین دیگر شریعت‌هاست. در این مقاله، رسمیت داشتن شریعت‌های مختلف در زبان قرآن مورد تاکید قرار گرفته است. به این معنی که شریعت بر خلاف دین، به مناسبت شرایط و اقتضائات هر جامعه و قوم، توسط خداوند نازل شده است. استعداد هر قوم، مبنای نزول شریعت توسط پیامبران الهی بوده است. اگرچه دین در نزد خداوند، "الاسلام" به معنی لغوی آن ـ تسلیم شدن در برابر حق ـ است، لکن به

---

۱. قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا بَعْضًا أَرْبَابًا مِنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا مُسْلِمُونَ. بگو ای اهل کتاب بیایید بر سر سخنی که میان ما و شما یکسان است بایستیم که جز خدا را نپرستیم و چیزی را شریک او نگردانیم و بعضی از ما بعضی دیگر را به جای خدا به خدایی نگیرد پس اگر [از این پیشنهاد] اعراض کردند بگویید شاهد باشید که ما مسلمانیم [نه شما].

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

فراخور حال هر جامعه و اقتضائات زمانی خود و البته در چارچوب دین الهی، شریعت مناسب آن قوم از طرف خداوند نازل شده است. در جغرافیای عالم جوامع مختلفی با شرایط متفاوت از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی زندگی می کنند و بنابر استعداد عقلی خود، نیازمند احکام متناسب هستند. با توجه به آیات قرآن این جوامع فارغ از هم‌زمانی یا غیر هم‌زمانی نیازمند شریعت متناسب با خود هستند.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

کتابشناسی

۱. قرآن کریم
۲. ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم(ابن ابی حاتم)، ریاض، مکتبه نـزار مصـطفی البـاز، چـاپ سوم، ۱۴۱۹ هـق.
۳. ابن بابویه، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۳. ابن عاشور، محمدطاهر، تفسیر التحریر و التنویر، بیروت، موسسه التاریخ العربی، چاپ اول، ۱۴۲۰ هـ ق.
۴. ابن عرفه، محمد بن محمد، تفسیر ابن عرفه، بیروت، دارالکتب العلمیـه منشـورات محمـدعلی بیضـون، چـاپ اول، ۲۰۰۸ م.
۵. ابن فروخ صفار قمی، بصائر الدرجات فی فضایل آل محمد، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۴ هـق.
۶. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ هـق.
۷. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، مشهد مقدس، آستان قـدس رضـوی بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـق.
۸. ایزدی، محمدعلی، جاودانگی شریعت اسلام از منظر عقل، تهران، کلام اسلامی شماره ۷۱ و ۷۲، ۱۳۸۸ ش.
۹. بلاغی، محمدجواد، آلاءالرحمن فی تفسیر القرآن، قم، وجدانی، چاپ اول.
۱۰. پیمان، حبیب اله، عصری‌سازی احکام دینی در چارچوب نظریه استقلال دین، تهران، بازتاب اندیشـه شـماره ۴۹، ۱۳۸۳ش.
۱۱. ثعلبی، احمد بن محمد، الکشف و البیان، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۲ هـق.
۱۲. جناتی، محمدابراهیم، نظریه تحول اجتهاد یا تحول شریعت، تهران، کیهان اندیشه شماره ۶۴، ۱۳۷۴ ش.
۱۳. حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی، تفسیر روح البیان، بیروت، دار الفکر، چاپ اول.
۱۴. خسروپناه، عبدالحسین، قلمرو شریعت، تهران، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۲ ش.
۱۵. دروزه، محمد عزه، التفسیر الحدیث: ترتیـب السـور حسـب النـزول، بیـروت، دار الغـرب الاسـلامی، چـاپ دوم، ۱۴۲۱هق.
۱۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار الشامیه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـق.
۱۷. الزمخشری، محمودبن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیـون الاقاویـل فـی وجـوه التاویـل، بیـروت، دارالکتاب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۴ هـق.
۱۸. سروش، عبدالکریم، قبض و بسط شریعت، تهران، کیهان فرهنگی شماره ۶۰، ۱۳۶۷ ش.
۱۹. سلطانی، محمدعلی، قلمرو دین یا گستره شریعت، تهران، کتاب‌های اسلامی شماره ۱۳، ۱۳۸۲ ش.
۲۰. شحاته، عبدالله محمود، تفسیر القرآن الکریم(عبدالله شحاته)، قاهره، دار غریب، چاپ اول، ۱۴۲۱ هـق.
۲۱. شوکانی، محمد، فتح القدیر، دار ابن کثیر، دمشق، ۱۴۱۴ هـق.
۲۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه محمدباقر موسوی، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیـه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۲۳. طبرانی، سلیمان بن احمد، التفسیر الکبیر: تفسـیر القـرآن العظیم(طبرانـی)، اردن، دارالکتـاب الثقـافی، چـاپ اول، ۲۰۰۸م.
۲۴. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران، ترجمه حسـین نـوری همـدانی، تهـران، فراهـانی، چاپ‌اول.
۲۵. طبری، محمدبن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دارالمعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ ق.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]

۲۶. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، تهران، مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. طوسی، محمدبن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ اول، ۴۶۰ هـق.
۲۸. طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن، تهران، اسلام، چاپ دوم، ۱۳۶۹ هـش.
۲۹. عرب صالحی، محمد، تاریخ‌مندی شر یعت، بدعت یا نوآوری، تهران، کتاب نقد شماره ۵۴، ۱۳۸۹ ش.
۳۰. عماره، محمد، شریعت الهی واحد و حاکمیت‌های متعدد انسانی، ترجمه محمدحسن معصومی، تهران، حکومت اسلامی شماره ۴، ۱۳۷۶ ش.
۳۱. فخر رازی، محمدبن عمر، التفسیر الکبیر(مفاتیح الغیب)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، چاپ س.م، ۱۴۲۰ هـق.
۳۲. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـق.
۳۳. فضل اله، سیدمحمدحسین، من وحی القرآن، دارالملاک، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـق.
۳۴. فیض کاشانی، محمدبن شاه مرتضی، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر، چاپ دوم، ۱۴۱۵ هـق.
۳۵. قرشی بنابی، علی اکبر، تفسیر احسن الحدیث، تهران، بنیاد بعثت، چاپ دوم، ۱۳۷۵ ش.
۳۶. قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱ ش.
۳۷. کلینی، محمد بن یعقوب، اصول کافی، محقق: علی اکبرغفاری و محمد آخوندی، تهران، دارلکتب الاسلامی، ۱۴۰۷هـق.
۳۸. مدرسی، محمدتقی، من هدی القرآن، تهران، دار محبی الحسین، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـق.
۳۹. مصباح یزدی، محمدتقی، شمیم یاس، قم، مرکز مدیریت حوزه‌های علمیه خواهران، پیش‌شماره ۵، ۱۳۸۰ ش.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دهم، ۱۳۷۱ هـش.
۴۱. نقوی، حسین، بررسی سهولت و صعوبت نماز در اسلام و یهودیت، مجله علمی و پژوهشی معرفت، شماره۹، ۱۳۹۹ ش.
۴۲. هاشمی، حسین، جامعیت و کمال شریعت و تحولات آن در عصر غیبت، تهران، قبسات شماره ۳۲، ۱۳۸۳ ش.

[Downloaded from pdmag.ir on 2026-11-27]